



Iranian Independent Islamic Human Rights Commission
کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران
انجمن حقوق انسان اسلامی در ایران



تورم، فقر و مسیرهای سیاست گذاری در جهت تحقق رشد فراگیر در ایران

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

زمستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

مطالعات مربوط به سیاست های اقتصادی کشورها از جمله برای ریشه کن سازی فقر و تامین رفاه عمومی، عمدتاً در محافل علمی علوم اقتصادی انجام میشود اما به موازات آن بحثهای ذیربط حسب مورد در محیط های علمی دیگر دانشها نیز برجسته میشود. مثلاً وقتی پیامدهای فرهنگی سیاست های اقتصادی مورد نظر است کارشناسان فرهنگی در این خصوص اعلام نظر می کنند یا وقتی پیامدهای سیاسی و امنیتی سیاست های اقتصادی مورد توجه است کارشناسان ذیربط و نهادهای مرتبط اعلام نظر می کنند. از جمله محیطهای علمی که سیاست های اقتصادی را مورد بررسی قرار می دهند مراکز مربوط به توسعه پایدار یا نهادهای فعال در زمینه حقوق بشر و فقر زدایی و تامین حقوق اقتصادی هستند.

نوشتار مختصر حاضر که در سامانه قطب دانشی توسعه پایدار نشر یافته، تلاش دارد که وضعیت تورم در ایران و پیامدهای آن بر فقر و سایر پدیده های منفی را مورد تحلیل قرار دهد. این نوشتار چند روز قبل از اعتراضات بازاریان در تهران و وقایع تلخ بعد آن در ایران نشر یافته است. نظر به لزوم اطلاع از مطالعات مختلف مربوط به جامعه ایران و اهمیت توجه به پیامدهای منفی فقر در کشور و ضرورت تقویت تلاشها در جهت تامین توسعه پایدار، این نوشتار به فارسی برگردان شد. بدون هر گونه داوری محتوایی در خصوص نظرات مطرح شده در این نوشتار، امید است آگاهی های عمومی در خصوص سیاست گذاریهای اقتصادی در کشور و پیامدهای آن بیش از پیش ارتقا یابد و همه کمک دهیم تا جامعه ما از چالشهای کنونی گذر کرده و به وضعیت مطلوب نائل آید.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

دی ۱۴۰۴

◆ نویسنده: پارسا کتابی، مدیر بخش راهبرد و تحلیل در موسسه کالیتد^۱

◆ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: صبا رفیعی دانش پژوه کارشناسی ارشد حقوق بین الملل و همیار کمیسیون، ویرایش و نهایی سازی در امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

◆ ماخذ: سامانه قطب دانشی توسعه پایدار (<https://sdg.iisd.org>)، ۱۷ دسامبر ۲۰۲۵

◆ شناسه متن: ۰۴/۴/۴۰۲

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا بازنشر جزئی یا کلی آن با ذکر ماخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.



^۱ . توضیح کمیسیون: موسسه مزبور غیر دولتی و با تمرکز بر مطالعات توسعه فراگیر است و با سازمان ملل همکاری دارد. معرفی این نهاد توسط بخش امور اقتصادی اجتماعی ملل متحد بشرح زیر قابل ملاحظه است:

<https://sdgs.un.org/partnerships/collated-lab>

متن مقاله:

بحران تورم در ایران نه تنها یک چالش کلان اقتصادی، بلکه تهدیدی مستقیم علیه اهداف توسعه پایدار (SDGs)، به ویژه هدف یکم آن (رهایی از فقر) و هدف هشتم (کار شایسته و رشد اقتصادی) به شمار می‌رود. به عنوان یکی از ماندگارترین دوره‌های تورمی در میان کشورهای در حال توسعه، با متوسط نرخ‌های سالانه حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد از سال ۲۰۱۸، این افزایش‌های پایدار قیمت‌ها موجب فرسایش درآمدهای واقعی، سوق دادن میلیون‌ها نفر به زیر خط فقر، تضعیف بخش خصوصی و تشدید ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی مکرر شده است.

مورد ایران نشان می‌دهد که چگونه تحریم‌ها، وابستگی به واردات، آسیب‌پذیری نهادی و عدم تعادل‌های اقتصاد کلان با یکدیگر تعامل کرده و به شکل‌گیری یک چرخه تورمی عمیق و ریشه‌دار منجر می‌شوند؛ چرخه‌ای که به طور مستقیم پیشرفت در مسیر کاهش فقر، رشد فراگیر و ایجاد نهادهای اقتصادی تاب‌آور را، آنگونه که در اهداف توسعه پایدار (SDGs) پیش‌بینی شده است، با مانع مواجه می‌سازد. این نوشتار با تحلیل عوامل زیربنایی تورم مزمن - از جمله سرکوب مالی، کاهش ارزش پول ملی، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و ضعف اعتبار نهادی - پیامدهای این وضعیت را برای توسعه پایدار مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

علل تورم مزمن

یکی از محرک‌های اصلی تورم در ایران، سلطه مالی^۲ است؛ وضعیتی که در آن کسری‌های مزمن بودجه دولت از طریق انبساط پولی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تأمین مالی می‌شود. تحریم‌ها با کاهش درآمدهای نفتی و محدود کردن دسترسی به منابع مالی خارجی، احتمال آن را افزایش می‌دهند که شکاف‌های مالی دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی جبران شود. صندوق بین‌المللی پول (IMF) رشد نقدینگی مرتبط با کسری‌های بودجه را عامل غالب و بلندمدت تورم معرفی می‌کند. این سازوکار یک زنجیره تقویت‌شونده ایجاد می‌نماید که در آن، کسری بودجه به انبساط پولی منجر می‌شود، انبساط پولی کاهش ارزش پول ملی را در پی دارد، کاهش ارزش واحد پول قیمت واردات را افزایش می‌دهد و در نهایت به تشدید انتظارات تورمی می‌انجامد.

^۲. توضیح کمیسیون: سرکوب یا سلطه مالی (fiscal dominance) بیان‌کننده تمامی اقداماتی است که از طریق آن، دولت‌ها منابع مالی را به سوی خود هدایت کرده تا مبلغ بدهی‌های خود را کاهش دهند. یکی از منابع علمی اقتصادی، سلطه مالی را چنین تعریف می‌کند: این عبارت، سناریوی اقتصادی را توصیف می‌کند که در آن سیاست مالی ("قدرت کیف پول") بر سیاست پولی ("قدرت چاپ پول") تسلط دارد. در چنین سناریویی، کسری‌ها و بدهی‌های بزرگ دولت عملاً شرایط را برای اقدام بانک مرکزی تعیین می‌کنند. منبع علمی دیگر در تعریف این اصطلاح می‌گوید: سلطه مالی به وضعیتی اطلاق می‌شود که بخش مالی دولت ملزم به ایجاد تعادل بین مخارج و درآمدهای مالیاتی خود نیست و بخش پولی باید به گونه‌ای عمل کند که منابع و مخارج بخش دولتی متعادل باشد.

کاهش ارزش واحد پول از طریق آثار انتقالی^۳، فشارهای تورمی را بیش از پیش تشدید می‌کند. تحریم‌های مکرر با تضعیف ذخایر ارزی ایران و محدود کردن صادرات نفت، سبب کاهش شدید ارزش ریال می‌شوند. بر اساس گزارش رویترز، در سال ۲۰۲۵ نرخ ریال در بازار موازی به سقف تاریخی ۱۶۰۳۹،۰۰۰ ریال در برابر هر دلار آمریکا سقوط کرد. از آنجا که ایران به شدت به واردات مواد غذایی، دارو و نهاده‌های صنعتی وابسته است، کاهش ارزش پول به سرعت به افزایش قیمت‌های داخلی منجر می‌شود. بنگاه‌ها نیز در انتظار تضعیف بیشتر واحد پولی، قیمت‌ها را به صورت پیش‌دستانه تعدیل می‌کنند؛ فرآیندی که با تقویت انتظارات تورمی، یک حلقه بازخوردی میان نرخ ارز و شاخص قیمت مصرف‌کننده ایجاد می‌کند.

علاوه بر این، ضعف سازوکار انتقال سیاست پولی و محدودیت استقلال بانک مرکزی، ثبات قیمتی را تضعیف می‌کند. اگرچه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۲۰ ابزار عملیات بازار باز را معرفی کرد، اما کارایی این ابزارها همچنان تحت تأثیر فشارهای مالی دولت و محدودیت‌های ناشی از اعتبار ناکافی نهادی قرار دارد. در نتیجه، انتظارات تورمی مهار نشده باقی مانده‌اند؛ امری که خانوارها را به تسریع در مصرف و بنگاه‌ها را به افزایش پیش‌دستانه قیمت‌ها در انتظار تورم‌های آتی سوق می‌دهد. هم‌زمان، عوامل ساختاری از جمله عمق محدود بازارهای مالی، وابستگی به واردات، ناکارآمدی‌های انرژی و گلوگاه‌های عرضه ناشی از تحریم‌ها این فشارهای اقتصادی را تقویت کرده و به بروز جهش‌های ادواری قیمت‌ها دامن می‌زنند.

زیان‌های رفاهی و محدودیت‌های سیاستی در بستر تورمی ایران

فوری‌ترین پیامد تورم، کاهش قدرت خرید خانوارها است. دستمزدهای واقعی همگام با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها رشد نکرده‌اند و این امر خانواده‌ها را ناگزیر ساخته است تا سطح مصرف خود را کاهش دهند و الگوی هزینه‌ای خود را به سمت نیازهای اساسی سوق دهند. برآوردهای بانک جهانی نشان می‌دهد که در حال حاضر ۳۵ تا ۴۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند و در اوج تورم سال ۲۰۲۲، بیش از نیمی از خانوارها به‌طور موقت به زیر آستانه‌های فقر سقوط کردند. از آنجا که خانوارهای کم‌درآمد سهم بیشتری از درآمد خود را صرف مواد غذایی می‌کنند، تورم عملاً به‌مثابه مالیات قهقرایی عمل کرده و فشار نامتناسبی بر اقشار فقیر وارد می‌سازد.

به‌ویژه، بحران تورم در ایران پیشرفت به‌سوی تحقق هدف ۱،۴ از اهداف توسعه پایدار^۴ که بر تضمین دسترسی برابر به منابع اقتصادی و خدمات مالی تأکید دارد را به‌طور جدی تضعیف کرده است. تداوم تورم‌های بالا به‌مثابه مالیات قهقرایی بر دوش خانوارهای کم‌درآمد عمل می‌کند، قدرت خرید آنان را فرسایش می‌دهد و فقر را تشدید می‌کند؛ وضعیتی که در داده‌های اخیر بانک جهانی مستند شده و نشان می‌دهد که در حال حاضر ۳۵ تا ۴۰ درصد جمعیت ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

^۳ pass-through

^۴ (SDG ۱،۴)

دولت ایران در سال‌های اخیر اقداماتی برای مهار تورم اتخاذ کرده است، اما این اقدامات موفقیت محدودی داشته‌اند. معرفی عملیات بازار باز در سال ۲۰۲۰ گامی در جهت نوسازی چارچوب سیاست پولی محسوب می‌شود؛ با این حال، کارایی این ابزارها بدون محدودسازی تأمین مالی کسری بودجه از طریق خلق پول (پولی‌سازی کسری‌ها) قابل تحقق نیست. همچنین، یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۲۰۲۲ اگرچه یک منبع مهم فساد و رانت را حذف کرد، اما به‌طور موقت موج تورمی شدیدی ایجاد نمود که به اعتماد عمومی آسیب رساند. بدون اصلاحات معتبر مالی و نهادی، این اقدامات قادر نخواهند بود انتظارات تورمی را مهار کنند یا به ثبات پایدار اقتصاد کلان دست یابند.

راه‌حل‌های عملی و قابل اتکا

یک راهبرد واقع‌بینانه برای تثبیت اقتصادی مستلزم هماهنگی اصلاحات کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. در کوتاه‌مدت، حمایت از خانوارهای آسیب‌پذیر از طریق انتقال‌های نقدی هدفمند و کوپن‌ها (یارانه‌های) دیجیتال برای جبران آثار اصلاحات یارانه‌ای و تعدیل‌های نرخ ارز ضرورتی اساسی دارد. افزون بر این، برگزاری شفاف حراج‌های ارزی می‌تواند از آربیتراژ^۵ و رانت‌جویی بکاهد و به ثبات بخشی به انتظارات ارزی کمک کند.

علاوه بر این، تثبیت و انضباط مالی نقشی حیاتی دارد. این امر مستلزم گسترش پایه‌های مالیاتی، تقویت نظام اجرایی مالیات بر ارزش افزوده، ارتقای کارایی و اثربخشی مخارج عمومی و محدودسازی تأمین کسری بودجه از سوی بانک مرکزی است. همچنین، ایجاد مبانی حقوقی لازم برای افزایش استقلال عملیاتی بانک مرکزی و اتخاذ یک هدف تورمی شفاف برای مثال کاهش نرخ تورم به کمتر از ۲۰ درصد طی سه سال می‌تواند اعتبار سیاست‌گذاری اقتصادی را به‌طور معناداری تقویت کند.

در نهایت، اصلاحات ساختاری با تمرکز بر تنوع‌بخشی به ساختار اقتصاد، بهبود حکمرانی بنگاه‌های دولتی و تقویت ظرفیت تولید داخلی می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصاد در برابر شوک‌های خارجی را کاهش دهد. مطالعات موردی از ترکیه و برزیل نشان می‌دهد که هماهنگی اصلاحات مالی، پولی و نهادی در صورت اجرای معتبر و مستمر قادر است نرخ تورم را از سطوح بیش از ۴۰ درصد به ارقام تک‌رقمی کاهش دهد.

اجرای اولویت‌های سیاستی ترسیم‌شده از جمله انضباط مالی، استقلال بانک مرکزی، برنامه‌های انتقال نقدی هدفمند و تثبیت نرخ ارز می‌تواند به‌طور معناداری نوسانات تورمی را کاهش داده و از درآمدهای واقعی خانوارها حفاظت کند. این اصلاحات قادر است نظام‌های حمایت اجتماعی را تقویت کرده و ثبات مالی را بهبود بخشد و بدین ترتیب

^۵ توضیح کمیسیون: آربیتراژ در علم اقتصاد به معنی کسب سود از تفاوت قیمت یک دارایی بین دو یا چند بازار در زمان مشخص است. در واقع این روش فرصتی برای بدست آوردن سود باریسک کم است. آربیتراژ در تمام بازارهای مالی قابل استفاده است و بازار ارز دیجیتال هم به دلیل نوسان‌هایی که دارد بستری برای پیاده‌سازی آربیتراژ و درآمد زایی است.

راهبرد اقتصاد کلان ایران را با اولویت‌های جهانی توسعه در چارچوب هدف توسعه پایدار شماره ۱ (ریشه کنی فقر) همسو سازد.

تورم، نابرابری و فشار نهادی: پیامدها برای مسیر ایران در تحقق اهداف توسعه پایدار

یکی از پرسش‌های محوری برای درک عملکرد اقتصاد ایران و میزان پیشرفت آن در مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار این است که آیا تضعیف ارزش پول [ملی] به افزایش سطح قیمت‌ها می‌انجامد یا خیر؟ بررسی داده‌ها در طول زمان، با استفاده از مدل‌های آماری ساده که ارتباط میان تغییرات ارزش پول [ملی] و تحولات تورم را دنبال می‌کنند، الگویی روشن را نشان می‌دهد: هرگاه ریال تضعیف می‌شود، قیمت‌های داخلی با سرعت افزایش می‌یابند. این پدیده به‌عنوان اثر انتقال نرخ ارز^۶ شناخته می‌شود و در ایران به‌دلیل وابستگی بالای اقتصاد به واردات مواد غذایی، دارو و کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، از شدت بالایی برخوردار است. شواهد ارائه‌شده توسط صندوق بین‌المللی پول به‌طور سازگار نشان می‌دهد که جهش‌های قیمتی معمولاً بلافاصله پس از دوره‌های کاهش ارزش پول ملی رخ می‌دهند.

بررسی تورم به تفکیک اقلام اصلی هزینه‌ای خانوار، به‌روشنی ابعاد انسانی این پدیده را آشکار می‌سازد. مواد غذایی حدود یک‌چهارم از سبد هزینه خانوارها را تشکیل می‌دهد و هزینه‌های مربوط به مسکن نزدیک به یک‌سوم بودجه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد. هنگامی که تورم مواد غذایی از ۵۰ درصد فراتر می‌رود و تورم مسکن به حدود ۳۵ درصد نزدیک می‌شود، تنها این دو قلم اساسی بیش از نیمی از تورم کل را توضیح می‌دهند. از آنجا که خانوارهای کم‌درآمد بخش بزرگ‌تری از درآمد خود را صرف این نیازهای ضروری می‌کنند، افزایش قیمت‌ها بیشترین فشار را بر آنان وارد می‌سازد. این سازوکار به‌طور مستقیم هدف توسعه پایدار شماره ۱ (ریشه کنی فقر) را تضعیف کرده و نابرابری‌های موجود در ابعاد جنسیتی، سنی و منطقه‌ای را تشدید می‌کند.

تصویر وضعیت، زمانی نگران‌کننده‌تر می‌شود که درآمد واقعی یعنی آنچه افراد عملاً قادر به خرید آن هستند مورد توجه قرار گیرد. حتی در مواردی که دستمزدها به‌صورت اسمی افزایش می‌یابد، چنانچه سرعت رشد قیمت‌ها از افزایش دستمزد پیشی بگیرد، ارزش واقعی درآمد کاهش می‌یابد. برای نمونه، افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها در کنار تورم ۴۵ درصدی به کاهش حدود ۱۷ درصدی درآمد واقعی منجر می‌شود. شاخص‌هایی نظیر شاخص قیمت مصرف‌کننده و شاخص تعدیل‌کننده تولید ناخالص داخلی^۷ به‌روشنی نشان می‌دهند که تورم در ایران پدیده‌ای فراگیر در کل اقتصاد است که نه تنها قدرت خرید خانوارها، بلکه تصمیمات سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و مسیر رشد بلندمدت کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تورم همچنین دارای پیامدهای مهم سیاستی است. زمانی که کسری بودجه دولت از طریق گسترش پایه پولی تأمین مالی می‌شود، تقاضای داخلی افزایش یافته و به تشدید فشارهای تورمی می‌انجامد. هم‌زمان، کاهش ارزش پول ملی با

^۶ Exchange Rate Pass-Through

^۷ GDP Deflator

افزایش هزینه واردات، تورم ناشی از فشار هزینه^۸ را تقویت می‌کند. استقلال محدود بانک مرکزی توان واکنش مؤثر به این تحولات را تضعیف کرده و در نتیجه، سطح عدم اطمینان برای خانوارها و بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد. این فشارهای اقتصادی با مسائل گسترده‌تر اجتماعی و سیاسی در ایران تلاقی می‌یابند. افزایش قیمت‌ها و کاهش درآمدهای واقعی، ناامنی معیشتی خانوارها را تشدید کرده، آسیب‌پذیری‌های مبتنی بر جنسیت و طبقه اجتماعی را گسترش می‌دهد و اعتماد عمومی به نهادهای دولتی را فرسایش می‌دهد. برای نمونه، زنان که از پیش با محدودیت‌های بازار کار، بار نامتوازن کار مراقبتی بدون مزد و آشکال مختلف تبعیض حقوقی مواجه‌اند، در دوره‌های تورمی با کاهش عمیق‌تری در استقلال اقتصادی روبه‌رو می‌شوند. جوانان، جوامع روستایی و اقلیت‌های قومی نیز به‌طور نامتناسبی بار اصلی این فشارها را متحمل می‌شوند. این نابرابری‌های متقاطع نقش مهمی در افزایش نارضایتی عمومی و بروز اعتراضات سیاسی ایفا کرده‌اند؛ از اعتراض‌ها نسبت به افزایش قیمت مواد غذایی گرفته تا مطالبات گسترده‌تر برای پاسخ‌گویی و شفافیت نهادی.

از این رو، تورم پایدار فراتر از یک چالش صرفاً اقتصادی عمل می‌کند. این پدیده با تضعیف مشروعیت دولت، محدودسازی فضای مشارکت مدنی مسالمت‌آمیز و آشکار ساختن کاستی‌های ساختارهای حکمرانی، پیامدهای عمیق نهادی به همراه دارد. چنین وضعیتی به‌طور مستقیم هدف توسعه پایدار شماره ۱۶ (صلح، عدالت و نهادهای توانمند) را تضعیف می‌کند؛ هدفی که شفافیت، پاسخ‌گویی و نهادهای فراگیر را به‌عنوان پایه‌های اساسی توسعه پایدار مورد تأکید قرار می‌دهد.

در مجموع، شواهد آماری نشان می‌دهد که تورم در ایران صرفاً یک روند کلان‌اقتصادی نیست، بلکه مانعی ساختاری در برابر کاهش فقر، تحقق برابری جنسیتی، ثبات اجتماعی و شکل‌گیری نهادهای صلح‌آمیز و کارآمد به شمار می‌رود. از این رو، بازگرداندن ثبات قیمتی نه تنها برای تحقق هدف توسعه پایدار شماره ۱ (پایان دادن به فقر) و هدف شماره ۸ (کار شایسته و رشد اقتصادی) ضروری است، بلکه نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد هدف شماره ۵ (برابری جنسیتی) و هدف شماره ۱۶ (صلح، عدالت و نهادهای توانمند) ایفا می‌کند. بدین ترتیب، مهار تورم و دستیابی به ثبات قیمت‌ها باید به‌عنوان یکی از اولویت‌های محوری توسعه‌ای نه تنها برای ایران، بلکه برای منطقه خاورمیانه تلقی شود.

^۸ Cost-Push Inflation